

بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق اساسی نمونه پژوهی: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد

ابوالقاسم شهریاری، کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران*

محسن خلیلی، دانشیار، گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

حسین اکبری، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

چکیده

حقوق اساسی دربردارنده ملاک‌هایی است که اعضای جامعه را توانا می‌سازد تا به استناد به آن در برابر دست‌اندازی‌های دولت، مقاومت کنند اما آنچه ایجادکننده این توانایی در میان اعضای جامعه است، وجود مجموعه قوانین مصوب تحت لوای قانون اساسی نیست بلکه آگاهی از آن‌ها است. آگاهی به حقوق اساسی سدی در برابر تمامیت‌خواهی دولت است. این آگاهی در خلأ شکل نمی‌گیرد و نظریه پردازان متغیرهای مختلفی را به‌عنوان ایجاد کننده و افزایش دهنده آگاهی از حقوق معرفی کرده‌اند هدف این پژوهش که به روش پیمایش صورت گرفته است، سنجش میزان آگاهی از حقوق اساسی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن است. متغیر اصلی تحقیق، سرمایه اجتماعی است که نظریه پردازان معتقدند از طریق بهبود کمیت و کیفیت اطلاعات افراد، بالا بردن سرعت گردش آن میان شبکه اجتماعی فرد و کاهش هزینه مبادله این اطلاعات، بر آگاهی افراد تأثیر می‌گذارد. همچنین متغیرهای تساهل سیاسی، تساهل مذهبی، حضور در حوزه عمومی، نظریه آموزش رسانه‌ای، در کنار متغیرهای زمینه‌ای سن، جنسیت، وضعیت تأهل، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مقطع تحصیلی، به‌عنوان متغیرهای مستقل انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد که آگاهی از حقوق در جامعه مورد بررسی وضعیت مناسبی ندارد. همچنین نتایج حاصل از معادله ساختاری مشخص می‌سازد که بیشترین سهم را در آگاهی از حقوق اساسی به ترتیب سرمایه اجتماعی با ضریب ۰.۴۰، تساهل مذهبی با ضریب ۰.۳۳ و تساهل سیاسی با ضریب ۰.۲۹ دارند.

کلیدواژه‌ها: آگاهی از حقوق اساسی، دولت، سرمایه اجتماعی، تساهل مذهبی، تساهل سیاسی، دانشگاه فردوسی.

مقدمه و بیان مسأله

همزمان با توجه اندیشمندان در دهه های پایانی قرن بیستم به موضوع توسعه اجتماعی، نظرها به سمت این مسأله معطوف شد که برای سرعت بخشیدن به روند دموکراسی و بالا بردن حس همکاری در میان اعضای جامعه، باید دانش افراد را نسبت به حقوق را افزایش داد زیرا از جمله شاخص های مهم برای سنجش میزان دموکراسی در یک جامعه، مسأله وجود آگاهی از حقوق در آن جامعه است. آگاهی نداشتن افراد جامعه از حقوق خود از عوامل عقب ماندگی جامعه و زمینه ساز استبداد و سرکوب یک ملت و در نتیجه گرفتار شدن افراد جامعه در چرخه فقر، جهل و خشونت است (مهدوی و میرزا پور، ۱۳۸۸: ۳۰). آگاهی از حقوق به فرد اجازه دخالت آگاهانه در سرنوشت خود را می دهد و به احقاق حقوق و زندگی بهتر برای فرد و دیگر اعضای جامعه منجر می شود (شیانی و داوودوندی، ۱۳۸۹: ۳۸).

همچنان که هابرماس یادآور شده است هرچند حقوق اساسی دارای پایه ای حقوقی است اما نمی توانیم از جنبه ای که به اتصال حقوق و سیاست منجر می شود، چشم پوشی کنیم (Habermas, 1989:196). متن قوانین اساسی همه کشورها نشان می دهد اصولی با عنوان هایی همچون حقوق اساسی، حقوق پایه، حقوق بنیادین، حقوق بشر، آزادی های مدنی، آزادی های فردی و آزادی های همگانی، به حقوق و آزادی های فردی اختصاص یافته است. در تعریف حقوق اساسی آورده شده است: «حقوق اساسی در معنای اصلی عبارت است از سازمان دهی و ایجاد همزیستی مسالمت آمیز بین عوامل قدرت و آزادی در هر جامعه سیاسی» (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۹۲). این حقوق، مجموعه ای از حقوق طبیعی است که از خصلت عالی انسان ناشی می شود و قانون گذار در تدوین قوانین، حق سلب یا محدود کردن آن را ندارد و دولت ها نیز نباید مانعی در مقابل آن ایجاد کنند (سراجی، ۱۳۸۸: ۱۴۵). در تعریف دیگری نیز آمده است حقوق اساسی، حقوقی است که افراد با استناد بدان از

خود در برابر دولت، دفاع می کنند؛ به بیان دیگر، این حقوق، حقوق آزادی از دولت است (Butt & et al., 2000:9).

آنچه اهمیت دارد و به اجرایی شدن حقوق اساسی منجر می شود، آگاهی افراد جامعه از این حقوق است؛ پیش فرض اصلی این است که آگاهی از حقوق، مبنای عمل و تحقق واقعی آن است (شیانی، ۱۳۸۱: ۶۹). باید توجه داشت که آگاهی از حقوق اساسی است که به فرد اجازه می دهد تا در زندگی اجتماعی خود دخالت آگاهانه داشته است و وی را به شخصی فعال تبدیل می کند که حاصل آن، پاسخگو شدن نهادهای اجتماعی است. افراد جامعه زمانی بیشتر از منافع موجود سود خواهند برد که فعال هستند و منفعل بودن و ایفای نقش مصرف کننده، بهره مندی آن ها را کاهش می دهد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۹: ۸). بدون آگاهی، هیچ تغییری در زمینه تسهیل ارتباط صحیح ملت و دولت مشاهده نخواهد شد و شرایط مناسب برای مشارکت افراد در سرنوشت سیاسی - اجتماعی خویش فراهم نمی شود و حتی قانون به عنوان عاملی در بروز و نهادینگی حقوق، بدون آگاهی افراد جامعه تحقق پذیر نیست (ربانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۸۷).

اهمیت آگاهی از حقوق اساسی به این سبب است که شناخت حقوق اساسی، برای ایجاد و گسترش بسترهای جامعه مدنی اهمیت بسیاری دارد؛ به بیان دیگر، اعضای جامعه هنگامی مجال مشارکت واقعی و آگاهانه را در عرصه های مختلف می یابند که نسبت به حقوق خود، آگاهی داشته اند و به آن عمل نمایند (کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱: ۳۵)؛ بنابراین می توان اهمیت آگاهی از حقوق اساسی را این گونه بیان کرد که برای پاسخگو کردن دولت، بازداشتن آن از دست اندازی در امور خصوصی افراد و به طور کلی مسدود کردن منافذ استبداد که از مهم ترین دغدغه های اندیشمندان علم سیاست در طول تاریخ است، مفهوم جامعه مدنی^۱ مطرح گردیده است. این مفهوم، حامی مردم و حقوق آن ها در برابر قدرت دولت است و پاسخگویی دولت، ایجاد حق اظهار نظر برای شهروندان^۲،

^۱ Civil Society

^۲ Citizenship

تی.اچ. مارشال

مارشال اولین اندیشمندی است که مباحث حقوق را به طور مدون وارد جامعه شناسی کرد (نش، ۱۳۹۰:۱۹۱). وی معتقد است در جامعه مدرن سه نوع حقوق وجود دارد: مدنی، سیاسی و اجتماعی. حقوق مدنی متشکل از آزادی‌های فردی است؛ حقوق سیاسی، حق مشارکت در اجرا و اعمال قدرت سیاسی را شامل می‌شود و حقوق اجتماعی به حق طبیعی فرد برای بهره‌مند شدن از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود (Marshall, 1964:19-21). این حقوق شامل مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری، تعیین حداقل دستمزد و... است (نش، ۱۳۹۰:۱۹۲؛ گیدنز، ۱۳۸۳:۳۴۲).

تالکوت پارسونز^۳

تالکوت پارسونز با تأثیرپذیری از مارشال، به عضویت کامل افراد در جامعه اشاره کرده است و آن را «اجتماع جامعه‌ای^۴» می‌نامد. بر اساس نظریه کنش پارسونز که مبتنی بر چهار خرده نظام و چهار تکلیف کارکردی است، می‌توانیم حقوق افراد جامعه را به چهار بخش سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی تقسیم کنیم. این تقسیم بندی بر تلقی پارسونز از خرده نظام اجتماع جامعه‌ای متکی است. به اعتقاد پارسونز مطالعه این خرده نظام، موضوع جامعه‌شناسی و حقوق است و قوانین و نهادهای حقوقی، کامل‌ترین شکل آن‌ها هستند (توسلی، ۱۳۸۰:۲۵۰).

برایان ترنر^۵

ترنر با انتقاد از مارشال، برخورداری از حقوق را شامل دو فرایند می‌داند: ۱- فرایند برخورداری: که از طریق باز تخصیص منابع، موجب دستیابی شهروندان به منابع و امکانات جامعه می‌گردد؛

قانون مداری و... را که در کنار هم مفهوم حکمرانی خوب^۱ را تشکیل می‌دهند، به ارمغان می‌آورد (ساعی و همکاران، ۱۳۹۰:۶۴). حال آن‌چه پایه‌ای اساسی برای شکل‌دهی و تقویت جامعه مدنی است، آگاهی مردم از حقوق خود است (FRA, 2011:3). اما باید در نظر داشت که گرچه آگاهی افراد از حقوق خود عاملی اساسی در هرگونه دگرگونی و خواست عمومی به شمار می‌آید و این آگاهی به معنای صفت شخص یا گروه اجتماعی است و دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال مسائل جاری در یک حوزه خاص دارد (شیانی و داوودوندی، ۱۳۸۹:۴۵) اما خودبه‌خود و بدون پشتوانه حادث نمی‌شود و متغیرهای مختلفی می‌توانند در ایجاد آن مؤثرند. هدف این پژوهش بررسی میزان آگاهی افراد از حقوق اساسی خود و عوامل مؤثر بر آن است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

تحقیقات انجام گرفته در حوزه آگاهی از حقوق در جامعه ایران، حاکی از نامطلوب بودن وضعیت آن در ایران است (ذکائی، ۱۳۸۰؛ احمدی، ۱۳۸۳؛ آراسته و همکاران، ۱۳۸۹؛ نوروزی و گل پرور، ۱۳۹۰؛ محمدی و تبریزی، ۱۳۹۰؛ هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰؛ شریفی و اسلامی، ۱۳۹۱؛ شهبازی و ابراهیمی، ۱۳۹۲)، اهمیت انجام تحقیق برای شناسایی عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق اساسی مشخص می‌شود. همچنین، از آن‌جا که دانشجویان قشر ممتازی در جامعه هستند و در شکل‌دهی به آگاهی سایر اقشار مردم نقش مهمی را بر عهده دارند، بررسی میزان آگاهی در میان آنان، ضروری به نظر می‌رسد.

حقوق و تقسیم‌بندی‌های آن

نظریه پردازان مختلفی از دیدگاه‌های گوناگون، انواع حقوق اعضای جامعه را بررسی کرده‌اند و آن را تقسیم‌بندی نموده‌اند. مهم‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها به طور اجمال بررسی شده است:

² Nash

³ Talcott Parsons

⁴ Community social

⁵ Brayan Turner

¹ Good governance

آلن سیزر^۴

وی در تحلیل ابعاد حقوق، می‌گوید هر شهروند چهار حق دارد:

۱- مدنی: به شیوه زندگی شهروندان که معمولاً در راستای اهداف آزادمنشانه جامعه است، اشاره دارد (فالکس، ۱۳۳۱:۱۳۳)؛
 ۲- سیاسی: به‌طور عمده، شامل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است؛
 ۳- اجتماعی - اقتصادی: به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد و ۴- فرهنگی یا گروهی: به ارزش‌های حاکم در هر جامعه که اعضا بر اساس آن با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، اشاره دارد (منوچهری و نجاتی حسینی، ۱۳۸۵:۲).

تقسیم‌بندی مورد استفاده در این تحقیق

در این پژوهش یکی از جامع‌ترین تقسیم‌بندی‌های انواع حقوق اساسی که توسط آژانس حقوق اساسی اتحادیه اروپا انجام گرفته است، مبنا قرار گرفته است و از پنج بُعد آن استفاده شده است که عبارتند از:

کرامت انسان: شأن انسان به مثابه انسان بودن وی و ممنوعیت تبعید و شکنجه و تجسس و... در زندگی انسان‌ها.
 آزادی‌ها: اختیار افراد در انتخاب مسایلی چون مذهب، عقاید، احزاب، شغل و... .

برابری: یکسان بودن همه در برابر قانون و برخورداری از حقوقی چون تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش، برابری زنان و مردان و... .

عدالت: دربرگیرنده جنبه‌های قضایی حقوق اساسی است و مواردی چون برابری در امر قضاوت، حقوق فرد در صورت بازداشت و... را شامل می‌شود.

شهروندی: جنبه‌های سیاسی حقوق اساسی را شامل می‌شود، مانند تشکیل اجتماعات، تشکیل راهپیمایی، حق رأی، حق دسترسی به اسناد و... .

۲- فرایند محرومیت: که از طریق ساخت هویت مشترک، دیگران را از مزایای حقوق موجود در جامعه محروم می‌سازد (روشه، ۱۳۹۱:۵۰).

ترنر بر این عقیده است که عضویت در جامعه ملی علاوه بر ایجاد فرصت حقوقی، هویت فرهنگی خاصی را برای فرد و گروه ایجاد می‌کند (Turner, 2008:27). این همان مفهومی است که در مورد «سیاست هویت» مطرح می‌شود؛ بنابراین وقتی متفکران علوم سیاسی از شهروند یا اعضای جامعه ملی سخن می‌گویند، منظورشان نحوه دسترسی به منابع اقتصادی و سیاسی است (کوزر^۵، ۱۳۸۶:۱۰۸).

ترنر سه نوع حقوق را شناسایی می‌کند: ۱- حقوق اقتصادی: مربوط به نیازهای اساسی برای مسکن و غذا؛ ۲- حقوق فرهنگی: شامل دسترسی به رفاه و تحصیلات و ۳- حقوق سیاسی: مربوط به آزادی‌های فردی و مشارکت در دستگاه‌های سیاسی (Turner, 1990:191).

رالف دارندورف^۳

دارندورف اساس کار خود را بر تمایز بین دو نوع حقوق افراد بنا می‌نهد: ۱- حقوق اولیه یا اساسی: که در برگیرنده حقوق بشر، حقوق مدنی و پیامدهای دموکراتیک آن‌هاست و ۲- حقوق ثانویه: که شامل حقوق اجتماعی است و به مردم تا آن‌جا اختیار می‌دهد که بتوانند از حقوق اساسی خود استفاده کنند (شیانی، ۱۳۸۴:۵۲).

دارندورف معتقد است در جامعه مدرن، مجموعه حقوق و فرصت‌های نابرابر فراتر از نوشته‌های قوانین و اساس‌نامه‌های حقوقی است و باید در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی محقق شود. تفاوت میان حقوق برابر و موقعیت‌های نابرابر و فرصت‌های انتخاب و فرصت‌های واقعی، پیچیده و مبهم است (عیدی، ۱۳۸۶:۱۲).

¹ Roche

² Lewis Coser

³ Ralph Darndorf

⁴ Aline Cesar

⁵ Falex

اساسی و مزیت اصلی سرمایه اجتماعی، فراهم آوردن امکان ارزیابی اطلاعات از طریق ایجاد پیوندهای شبکه ای^۱ است. شبکه‌های اجتماعی، اطلاعات ارائه شده به شهروندان را به لحاظ کمی و کیفی افزایش می‌دهد و سبب تغییر نگرش افراد به برون گروه می‌شود (Robinson, 2010:496)؛ به بیان دیگر، قرار گرفتن در معرض تنوع در شبکه‌ای از روابط اجتماعی، به‌طور معمول برای پرورش توسعه مهارت‌های شناختی کلی‌تر لازم است و شرایط را برای استفاده از اصول دموکراتیک انتزاعی در رفتار، فراهم می‌سازد. تنوع در عقاید و افکار، انگیزه لازم برای کاهش اتکای کامل به اعتقادات و تجدید نظر در موقعیت یا ارزش‌ها و پذیرش نظرات دیگران را مهیا می‌سازد (Harell, 2010:726).

نظریه پردازان سرمایه اجتماعی، فراهم آوردن اطلاعات درباره موضوعات مختلف را یکی از مهم‌ترین مزیت‌های سرمایه اجتماعی برشمرده‌اند. سرمایه اجتماعی از طریق تقویت هنجارهای مستحکم بده - بستان، تسهیل جریان اطلاعات را ممکن می‌سازد (پیران و همکاران، ۱۳:۱۳۸۵؛ Putnam, 1993:37; Dwiningrum, 2103:147; Uzzi & Dunlap, 2005:54)؛ به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی ایجاد کننده کانال‌های اطلاعاتی است که میزان زمان و سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای گردآوری اطلاعات را کاهش می‌دهد و از طریق فعل و انفعالات منظم، به خصوص صحبت کردن با دیگران و به اشتراک گذاری و تبادل اطلاعات، مواد و منابع اطلاعاتی در دسترس افراد را گسترش می‌دهد (Silbey, 2011:5).

بنابراین، فرض اساسی و مزیت اصلی سرمایه اجتماعی، فراهم آوردن امکان ارزیابی اطلاعات از طریق ایجاد پیوندهای شبکه‌ای^۲ است. سرمایه اجتماعی منبعی با ارزش را برای کسب اطلاعات فراهم می‌کند؛ یعنی «کسی که شما می‌شناسید» بر «آنچه شما می‌شناسید» اثر می‌گذارد؛ به عبارتی، با شناخت افراد بیشتر، دانش شما نیز افزایش می‌یابد. به اعتقاد

همچنین، در این پژوهش با توجه به اصول موجود در قانون اساسی، بعد دیگری به نام وظایف حکمران نیز مطرح شد که مواردی چون وظیفه کمیسیون اصل ۹۰، حق بازرسی اموال مسؤولان و... را در بر می‌گیرد.

نظریات مطرح درباره آگاهی از حقوق

آگاهی به معنای صفت شخص یا گروه اجتماعی است که دلالت بر باخبری کامل از اوضاع و احوال مسایل در یک حوزه خاص دارد (آقابخشی، ۳۱:۱۳۷۶)؛ اما آنچه اهمیت دارد کیفیت آگاهی است که به نسبت قابل توجهی بر حسب افراد متفاوت است؛ یعنی برخی نسبت به دیگران آگاه‌ترند. چه چیزی سبب این امر می‌شود؟

از آن‌جا که آگاهی را شکل به عرصه عمل رسیده اطلاعات تعریف کرده‌اند، هرچه فرد اطلاعات بیشتری درباره یک موضوع خاص، به‌طور مثال حقوق خود، داشته است، به همان میزان آگاهی بیشتری نیز دارد. اگر دسترسی آسان به اطلاعات قابل اعتماد وجود داشته است، آگاهی افراد از حقوق خود به‌طور مداوم بهبود می‌یابد (CEC, 2004:5). سؤال اصلی اینجاست: چه عواملی این توانایی را دارند تا اطلاعات و به تبع آن، آگاهی فرد را درباره حقوق خود افزایش دهند؟ در پاسخ به این سؤال نیز نظریات مختلفی ارائه شده است:

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی عبارت است از: «مجموعه‌ای هدفمند و ساخت یافته از کنش میان اعضای یک گروه یا جامعه که هنجارها و قاعده‌های مختص خود را داراست و تعقیب و دستیابی به اهداف مشترک را تسریع بخشیده و هزینه‌های عمل را کاهش می‌دهد» (عبدلهی و موسوی، ۱۹۵:۱۳۸۶). در تعریف دیگر آمده است: مجموعه‌ای هدفمند و ساخت یافته از کنش میان اعضای یک گروه یا جامعه است که هنجارها و قاعده‌های مختص خود را داراست (خلیلی، ۱۵۲:۱۳۸۷). فرض

¹ Network Ties

² Network Ties

کنار یکدیگر قرار گیرند و تعارض نظرات کاهش یابد (Putnam, 2000; Paxton, 2004; Pickering, 2006). مشارکت داوطلبانه به فرد اجازه می‌دهد تا تعهدات خود را به ورای اجتماعات طبیعی (مثل خانواده) تعمیم دهد و بدین ترتیب با اعیان فرهنگی و اجتماعی جامعه به صورتی بیشتر عام گرایانه برخورد نماید (چلبی، ۱۳۹۱: ۲۴۳).

متغیرهای الگویی پارسونز (عام‌گرایی - خاص‌گرایی)

پارسونز که ارائه دهنده این نظریه است، معتقد است رفتار شهروند، کرداری اجتماعی است که معطوف به انسجام اجتماعی است (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۷). وی عقیده دارد آگاهی از حقوق به وسیله هر فرد، باید در شرایطی که هیچ‌گونه تبعیضی وجود ندارد، محقق گردد؛ بنابراین، آگاهی از حقوق، نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام‌گرایانه از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است (هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰: ۸). وی با طرح این سؤال که چه چیزی مانع از برخورداری برخی اعضای جامعه از حقوق خود می‌شود، نظر خود را به سمت اندیشه افراد معطوف می‌کند و معتقد است ارزش‌های فرهنگی حاکم، نقش بسزایی در آگاهی یافتن افراد ایفا می‌کند. پارسونز بر این عقیده است که وجود نگرش‌های تبعیض آمیز بر اساس قومیت و مذهب و... مانع از آن می‌شود که همه اعضای یک جامعه از حقوق خود آگاه هستند.

متغیرهای الگویی (دوگانه عام‌گرایی - خاص‌گرایی)، دو شیوه متفاوت جهت‌گیری ارزشی در نقشی است که از فرد انتظار می‌رود در نظام اجتماعی ایفا کند. به نظر پارسونز، متغیرهای الگویی واقعیت‌هایی هستند که جنبه عمومی دارند و نشان دهنده تأثیر ویژگی‌های ساختی یک نظام اجتماعی بر رفتار فرد هستند (ارجمند و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳). در نظر پارسونز، افرادی که دارای نگرش‌های خاص‌گرایانه هستند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و در مقابل، وجود عقاید

کلمن، لازمه انجام هر عمل و اقدامی داشتن اطلاعات است ولی جمع‌آوری این اطلاعات زمان‌بر و توأم با صرف هزینه بالایی است اما این مسأله را روابط اجتماعی حل می‌کند (Coleman, 1988:98). در نظر کلمن، امکان‌پذیر بودن مبادله اطلاعات از طریق کانال‌های روابط اجتماعی موجود، یکی از مهم‌ترین اشکال کسب منفعت شخصی است. کنش‌گران در این حالت می‌توانند از شبکه‌های ارتباطی شخصی خود به عنوان یکی از منابع کسب آگاهی استفاده کنند (Coleman, 1994:310).

سرمایه اجتماعی می‌تواند نقش بسزایی نیز در آنچه «تسهیم دانش»^۱ نامیده می‌شود، ایفا کند (Shaghaghi & Ghlichlee, 2010:6). تسهیم دانش که به معنی «تعاملات میان فردی گسترده‌ای است که موجب می‌شود دانش و تجربه به‌طور مؤثر و شایسته‌ای توزیع و جذب گردد» (Dermott & O'Dell, 2001:77)، سبب می‌شود تا آگاهی درباره یک موضوع در میان افراد مختلف گسترش یابد. حال شبکه‌ای که این آگاهی بسیار گسترده را داشته است، سبب می‌شود این آگاهی با سرعت بالا و در میان افراد بیشتر و با هزینه‌ای بسیار اندک گسترش یابد (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۱: ۱۹؛ آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۳؛ Burt, 1992:230; Burt, 2005:54). اساس نظریه سرمایه اجتماعی بر این است که از طریق عضویت در یک شبکه دوستی و در نتیجه تکرار روابط موجود و پایدار شدن آن‌ها، زمینه مساعدی برای کسب دانش و آگاهی ایجاد شود. تاکنون برخی ابعاد سرمایه اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر آگاهی از حقوق بررسی و تأیید شده است: مشارکت اجتماعی (اسکندری، ۱۳۸۶؛ شیبانی، ۱۳۸۸؛ پورعزت و همکاران، ۱۳۸۹؛ سبحانی و همکاران، ۱۳۹۲) و اعتماد اجتماعی (شیبانی، ۱۳۸۸).

برخی از محققان حضور در انجمن‌های داوطلبانه را عاملی مؤثر در افزایش سرمایه اجتماعی معرفی کرده‌اند؛ زیرا این انجمن‌ها افراد دارای نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوت را گرد هم می‌آورد و سبب می‌شود تا نگرش‌های متفاوت در

¹ Knowledge sharing

است و زمینه را برای آگاهی افراد فراهم می‌سازد، شکل گرفتن کنش ارتباطی میان افراد حاضر در محیط است که سبب می‌شود تا یک فرد بتواند از اطلاعات سایرین استفاده کند و آگاهی خود را از موارد مختلف افزایش دهد.

هابرماس معتقد است اعضای جامعه صرفاً در حوزه عمومی و جامعه مدنی از نقش شهروندی برخوردار خواهند شد. از رهگذر جامعه مدنی، در حوزه عمومی که حد واسط نظام سیاسی و بخش‌های خصوصی زندگی است، مسائل مختلف حل خواهند شد. در این حوزه‌ها، افراد مسئولیت‌ها و حقوق خود را به عنوان شهروند می‌پذیرند و قادر به بیان نظریه‌ها و عقایدشان می‌شوند (شیانی، ۱۳۸۱: ۲۹). هابرماس حوزه عمومی فعال را فضایی برای گسترش حقوق موجود در جامعه می‌داند (Habermas, 1996:370). تحقیقات انجام گرفته تأثیر این متغیر را بر آگاهی از حقوق تأیید نموده‌اند: (اینانلو، ۱۳۸۴؛ کیانپور، ۱۳۸۵؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰؛ سلطانی‌فر و همکاران، ۱۳۹۰؛ رفیعی، ۱۳۹۰؛ شهبازی و ابراهیمی، ۱۳۹۲؛ حاج‌زاده و منصوری، ۱۳۹۲).

نظریه آموزش رسانه‌ای^۶

آگاهی می‌تواند تحت شرایطی بر اساس یک توانایی خاص به نام «سواد رسانه‌ای» ایجاد شود (جواهری و باقری، ۱۳۸۶: ۴۲). رسانه‌های دیداری و شنیداری چون رادیو و تلویزیون و نسل جدید رسانه‌ها که به رسانه‌های فضای مجازی شهرت یافته‌اند، ظرفیت‌ها و توانایی‌های بسیار گسترده تری برای گسترش آگاهی افراد در تمام سطوح و حوزه‌ها دارند و راه را برای آگاهی از دنیای پیرامون ما هموار می‌سازند (شیانی و سپهوند، ۱۳۹۲: ۴۷۰)؛ بنابراین آنچه در این گونه رسانه‌ها روی می‌دهد، نوعی آموزش و به تبع آن، آگاهی بخشی به کسانی است که در معرض برنامه‌های موجود در آن‌ها قرار می‌گیرند. آنچه این رسانه‌ها انجام می‌دهند، به دو شکل است: یا مخاطب برای کسب اطلاعاتی خاص به محتوایی رجوع می‌کند که نام آن را آموزش مستقیم یا روشن می‌نامند و یا

عام‌گرایانه در حوزه‌هایی چون نگرش‌های سیاسی و مذهبی، سبب خواهد شد تا زمینه برای آگاهی‌یابی افراد، فراهم شود. تساهل سیاسی، طرز تلقی‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های منفی یا مثبت در برابر واقعیت‌های سیاسی هستند. طرز تلقی سیاسی، آمادگی درونی برای انجام عمل به نحوی خاص در برابر پدیده‌های سیاسی است، خواه این پدیده یک ایدئولوژی باشد، خواه یک نیرو، مسأله یا امر مرتبط با احزاب و یا افراد سیاسی (بیرو، ۱۳۷۰: ۱۰). به همین منوال، تساهل مذهبی به معنی پذیرش سایر عقاید مذهبی موجود در جامعه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند؛ به بیان دیگر، یعنی پذیرفتن زندگی در کنار افرادی که عقاید مذهبی متفاوت با عقاید فرد دارند و قائل بودن حق زندگی در جامعه ملی برای همه عقاید مذهبی موجود. تساهل مذهبی، تأثیر مثبت بر آگاهی‌یابی و تعصب مذهبی تأثیر منفی بر آن دارد (Vorster, 2010:205).

حوزه عمومی

یورگن هابرماس در چارچوب‌بندی این نظریه معتقد است که حوزه عمومی عرصه‌ای است که در آن افراد برای مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند (هولاب^۱، ۱۳۸۶: ۲۶). در چنین حوزه‌ای اصول برابری و امکان دسترسی، اصولی غیر قابل حذف هستند و نتیجه و پیامد گفتگو مهم نیست بلکه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک است (شیانی، ۱۳۸۴: ۴۷). وقتی حق گردهمایی و اجتماع با یکدیگر وجود داشته است و در مورد موضوعات روز و مسائل سیاسی گفتگو صورت پذیرد، حوزه عمومی شکل خواهد گرفت (بهرامی، ۱۳۸۱: ۹۲).

هابرماس با تمایز قائل شدن بین کنش ابزاری^۳، کنش استراتژیک^۴ و کنش ارتباطی^۵ و برتری دادن کنش ارتباطی (کرایب، ۱۳۷۸: ۳۰)، معتقد است آنچه در حوزه عمومی بااهمیت

^۱ Birou

^۲ Holub

^۳ Instrumental Action

^۴ Strategic Action

^۵ Communicative Action

^۶ Theory of Media Learning

همچنین، متغیرهای زمینه‌ای چون جنسیت، وضعیت تأهل، سن و تحصیلات نیز در تحقیقات مختلف بررسی شده‌اند و تأثیرگذاری آن‌ها تأیید شده است: (شبان، ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲؛ کرباسیان و جلائی، ۱۳۸۳؛ غیاثوند، ۱۳۸۳؛ کیانپور، ۱۳۸۵؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ مهدوی و میرزاپور، ۱۳۸۸؛ فتحی و مختارپور، ۱۳۹۰؛ هزارجریبی و امانیان، ۱۳۹۰؛ محمدی و تبریزی، ۱۳۹۰؛ نوروزی و گل‌پرور، ۱۳۹۰؛ عنایتی و همکاران، ۱۳۹۱؛ قاسمی و عمرانیان، ۱۳۹۱؛ کلدی و پوردهناد، ۱۳۹۱؛ زیاری و همکاران، ۱۳۹۲).

تحقیقات ذکر شده را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: گروه اول تحقیقاتی هستند که با استناد به نظریات حقوق شهروندی و استخراج ابعاد حقوق شهروندی از قانون اساسی، آگاهی از حقوق را بررسی کرده‌اند. آنچه در این گروه از تحقیقات مغفول مانده است این است که برای سنجش آگاهی، از طیف‌های موجود به ویژه لیکرت استفاده کرده‌اند. حال آن‌که آنچه در طیف‌های رایج ارزیابی می‌شود، نظر و رویکرد یک فرد نسبت به یک موضوع است و الزاماً هیچ ربطی به آگاهی افراد در آن موضوع ندارد. گروه دوم، تحقیقاتی هستند که مفهوم شهروند را به کسانی اطلاق کرده‌اند که در شهر زندگی می‌کنند و بر خلاف نص قانون که شهروند را تمامی افراد دارای تابعیت کشور می‌داند، آگاهی از ابعاد حقوق شهروندی را بررسی کرده‌اند. گروه سوم نیز تحقیقاتی هستند که صرفاً به حقوقی که یک شهروند باید از نهادها و سازمان‌های شهری دریافت کند و در قبال آن تکالیفی را به انجام رساند، توجه نموده‌اند.

تمایز تحقیق حاضر با دسته اول مطرح شده این است که با عبور از سنجش آگاهی با طیف لیکرت و استخراج گویه‌هایی از متن قانون اساسی و قرار دادن آن‌ها در متن چند سؤال، تلاش شده است تا به سمت سنجش آگاهی از حقوق گام برداشته شود و نه نظرسنجی؛ تمایز با گروه دوم این است که علاوه بر فرا رفتن از نظرسنجی، ساکنانی خارج از محدوده شهر نیز در جامعه مورد مطالعه وجود دارند تا شهروند به تمام ایرانیان اطلاق شود نه تنها شهرنشینان؛ تمایز با گروه سوم نیز بالاترین تمایز است زیرا آگاهی افراد را نسبت به حقوق

مخاطب بدون تعمد و ناآگاهانه در حین استفاده از محتوایی که در رسانه‌ها ارائه می‌گردد، به اطلاعات و آگاهی‌هایی دست می‌یابد که آن را آموزش غیرمستقیم یا پنهان می‌نامند (رسولی و زنده بودی، ۱۳۹۰: ۱۸). در نظریه کارکردگرایی، مهم‌ترین کارکرد رسانه را انتقال فرهنگ برمی‌شمارند که می‌تواند نقش مهمی در فرایند اجتماعی شدن و بالا بردن سطح اطلاعات افراد جامعه ایفا کند (سورین و تانکارد^۱، ۱۳۸۴: ۴۵۲). دانیل لرنر^۲ نیز گسترش رسانه‌های گروهی و آگاهی را از مهم‌ترین عناصر ظهور شخصیت‌های جدید قلمداد می‌کند و به نقش رسانه‌های جمعی در ظهور آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی برای پیشرفت کشورهای در حال توسعه تأکید دارد (نیازی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۰).

بنا بر آنچه گفته شد، استفاده از رسانه‌ها سبب خواهد شد که فرد در معرض مجموعه‌ای از آموزش‌های پنهان و پیدا قرار گیرد (Haythornthwaite, 2012:2) و از این طریق، زمینه لازم برای آگاهی یافتن در موضوعات مختلف را کسب کند. تحقیقات انجام گرفته، تأثیر این متغیر را بر آگاهی از حقوق تأیید کرده‌اند: (کیانپور، ۱۳۸۵؛ ربانی و همکاران، ۱۳۸۵؛ عیدی، ۱۳۸۶؛ مهدوی و میرزاپور، ۱۳۸۸؛ شمس‌پور، ۱۳۸۹؛ سلطانی فر و همکاران، ۱۳۹۰؛ رفیعی، ۱۳۹۰؛ حقیقتیان و فرنام، ۱۳۹۰؛ شهبازی و ابراهیمی، ۱۳۹۲؛ شبانی و سپهوند، ۱۳۹۲؛ حاج‌زاده و منصوری، ۱۳۹۲)

پیشینه تجربی آگاهی از حقوق

برخی پژوهشگران نیز متغیرهای دیگری را بررسی کرده‌اند:

جدول ۱- پیشینه تجربی مطالعات مربوط به «آگاهی از حقوق» در ایران

پژوهشگران	سال انجام پژوهش	متغیرهای مورد مطالعه
ذکائی	۱۳۸۰	انفعال اجتماعی، حاشیه‌نشینی اجتماعی
اسکافی	۱۳۸۶	میزان آگاهی سیاسی، جو سیاسی خانواده
شـبـانی و داوودوندی	۱۳۸۹	آگاهی‌های اجتماعی، نگرش سیاسی

¹ Severin and Tankard

² Daniel Lerner

اندیشه‌های موجود وفق دهند، دارای نگرش خاص گرایانه‌اند و از اطلاعات خارج از حوزه اندیشه خود، محروم خواهند شد. از سوی دیگر، هابرماس نیز معتقد است حضور در حوزه عمومی که مهم‌ترین ویژگی آن روی دادن کنش ارتباطی است، زمینه‌ساز آگاهی اعضای جامعه از حقوق خود می‌گردد زیرا در چنین حوزه‌ای اصول برابری و امکان دسترسی، اصولی غیرقابل حذف هستند و بنابراین پیامد گفتگو مهم نیست بلکه مهم این است که روند گفتگو و عقلانیت حاکم بر آن دموکراتیک است. هابرماس حوزه عمومی را فضایی برای گسترش حقوق موجود در جامعه می‌داند. همچنین باید در نظر داشت که آگاهی می‌تواند تحت شرایطی بر اساس توانایی خاصی به نام «سواد رسانه‌ای» ایجاد گردد. مهم‌ترین کارکرد رسانه، انتقال فرهنگ است و به همین دلیل می‌تواند نقش مهمی در فرایند اجتماعی شدن و بالا بردن سطح اطلاعات افراد جامعه ایفا کند؛ بنابراین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و در معرض آموزش‌های پنهان یا پدیدای برنامه‌های این رسانه قرار گرفتن نیز متغیر دیگری است که به لحاظ نظری انتخاب شده است تا تأثیرگذاری آن بر آگاهی جامعه مورد مطالعه، در کنار سایر متغیرها، ارزیابی شود.

فرضیات

- ۱- با افزایش سرمایه اجتماعی، آگاهی از حقوق اساسی نیز افزایش می‌یابد.
- ۲- با افزایش میزان حضور در عرصه عمومی، آگاهی از حقوق نیز افزایش می‌یابد.
- ۳- با افزایش میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، آگاهی از حقوق نیز افزایش می‌یابد.
- ۴- با افزایش تساهل سیاسی، آگاهی از حقوق نیز افزایش می‌یابد.
- ۵- با افزایش تساهل مذهبی، آگاهی از حقوق نیز افزایش می‌یابد.

اساسی خود مورد نظر قرار داده‌ایم صرفاً نه آگاهی از حقوق اداری را.

چارچوب نظری پژوهش

بنابر آنچه طرح گردید و برای بالا بردن قدرت تبیین، چارچوب نظری در این پژوهش، تلفیقی است: سرمایه اجتماعی به دلیل درگیر کردن فرد در گستره‌ای از روابط اجتماعی، این امکان را فراهم می‌سازد که اطلاعات در موضوعات مختلف با هزینه بسیار اندک در اختیار فرد قرار گیرد و زمینه را برای آگاهی یافتن وی از این موضوعات آماده سازد. سرمایه اجتماعی مطلوب نشان از این دارد که شبکه اجتماعی فرد گسترده است و اطلاعات را با کمیت و کیفیت بهتری در اختیار فرد قرار می‌دهد. بالا رفتن کیفیت و کمیت اطلاعات سبب می‌شود تا مهارت‌های شناختی فرد گسترش یابد و آگاهی‌های وی از امور مختلف افزایش یابد. این قضیه در مورد آگاهی از حقوق به عنوان رکنی اساسی از زندگی بشری نیز صدق می‌کند. حال اگر سرمایه اجتماعی فرد دارای شرایط مناسبی است، جریان اطلاعات نیز سرعت بالاتری دارد و قابلیت تبدیل شدن این اطلاعات به آگاهی نیز افزایش خواهد یافت؛ اما سرمایه اجتماعی تنها متغیر تأثیرگذار بر آگاهی یابی نیست بلکه برای تبیین بهتر باید متغیرهای دیگری را نیز بررسی نمود. پارسونز با تأکید بر تأثیرگذاری محیط فرهنگی بر آگاهی فرد، وجود نگرش‌های تبعیض‌آمیز بر اساس قومیت و مذهب و... را عاملی اثرگذار بر آگاهی یابی بر می‌شمارد. به نظر پارسونز، افرادی که دارای نگرش‌های خاص گرایانه هستند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند و در مقابل، وجود عقاید عام‌گرایانه در حوزه‌هایی چون نگرش‌های سیاسی و مذهبی، سبب خواهد شد تا زمینه برای آگاهی یابی افراد، فراهم شود؛ بنابراین تساهل مذهبی و تساهل سیاسی به عنوان دو عامل مؤثر بر آگاهی یابی انتخاب شده‌اند. آن چنان که پارسونز مطرح می‌کند، افرادی که نتوانند خود را با شرایط اجتماعی موجود در جامعه خود و گروه‌ها و

برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. سرمایه اجتماعی در طیف لیکرت و در ابعاد اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه اجتماعی، حمایت اجتماعی و انسجام اجتماعی ارزیابی شده است. برای سنجش تساهل سیاسی و مذهبی از طیف استفاده شد. حوزه عمومی نیز با طیف لیکرت بررسی شده است. میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان استفاده از رادیو، تلویزیون، اینترنت و... به وسیله سؤالات باز، مورد پرسش واقع شد و سپس با دسته‌بندی به طیف لیکرت تبدیل شد. پایگاه اجتماعی با سؤالاتی در مورد وضعیت اقتصادی و تحصیلات والدین و... در طیف لیکرت مورد بررسی قرار گرفت. مقطع تحصیلی در سه سطح موجود در دانشگاه (کارشناسی - ارشد - دکتری) سنجیده شد. سن به صورت سن مداوم سنجیده شد جنسیت و وضعیت تأهل نیز در دو وضع (مرد/زن - متاهل/مجرد) پرسیده شد. برای سنجش آگاهی از حقوق اساسی، با استناد به قانون اساسی، ۳۳ سؤال در ۶ بعد مورد نظر طراحی شد. در هر سؤال پنج جواب طراحی شد که یک جواب صحیح و مابقی نادرست بودند. از جمع پاسخ‌های صحیح، میزان آگاهی افراد به حقوق اساسی ارزیابی شد

روایی و پایایی

برای بررسی قابلیت اعتماد^۲ پرسشنامه از آماره آلفای کرونباخ^۳ که میزان همبستگی درونی گویه‌های مربوط به یک شاخص را نشان می‌دهد، استفاده شده است. آلفای محاسبه شده برای شاخص‌های مورد بررسی در جدول ۲ آورده شده است:

۶- میان پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و آگاهی آن‌ها از حقوق اساسی رابطه معناداری وجود دارد.

۷- میان سن افراد و آگاهی آن‌ها از حقوق اساسی رابطه معناداری وجود دارد.

۸- میان زنان و مردان در آگاهی از حقوق اساسی تفاوت معنادار وجود دارد.

۹- میان متأهلان و مجردان در آگاهی از حقوق اساسی تفاوت معنادار وجود دارد.

۱۰- میان افراد در مقاطع تحصیلی مختلف در آگاهی از حقوق اساسی تفاوت معنادار وجود دارد.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه فردوسی مشهد در سال تحصیلی ۳۴-۹۳، جامعه آماری پژوهش حاضر را تشکیل داده‌اند. جامعه آماری مشتمل بر حدود ۲۱ هزار دانشجوی کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری است که در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند.

حجم نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران^۱ ۴۰۰ نفر تعیین شد. برای پوشش دادن هر چه بهتر دانشکده‌های موجود در دانشگاه، تعداد ۵۵۰ پرسشنامه توزیع شد که پس از بررسی و حذف پرسشنامه‌های با خطای بالا، ۵۰۴ پرسشنامه وارد تحلیل شد.

برای نمونه‌گیری، از نمونه‌گیری طبقه‌ای (دانشکده) و تصادفی استفاده شد؛ بدین ترتیب که با توجه به حجم جمعیت هر یک از دانشکده‌ها، سهم هر دانشکده از تعداد کل جامعه آماری تعیین شد و در نتیجه، پرسشنامه‌ها به تناسب سهم بین دانشکده‌های نمونه توزیع شد. دانشجویان با روش تصادفی انتخاب شدند.

معرفی ابزار

^۲ Reliability

^۳ Cronbach alpha

^۱ Cochran Formula

جدول ۲- پایایی شاخص‌های پژوهش

شاخص	سرمایه اجتماعی	آگاهی از حقوق	حوزه عمومی	تساهل سیاسی	تساهل مذهبی	استفاده از رسانه	پایگاه
آلفا	۰,۸۱۳	۰,۷۱۲	۰,۸۹۶	۰,۹۱۸	۰,۹۱۲	۰,۷۶۶	۰,۸۲۸

تمامی شاخص‌های بررسی شده از میزان آلفای مناسبی برخوردار هستند.

برای بررسی اعتبار یا روایی پرسشنامه از روایی صوری که به معنی قضاوت و داوری متخصصان درباره پرسشنامه طراحی شده است، استفاده شد. پرسشنامه طراحی شده در اختیار سه عضو هیأت علمی دانشگاه (یک دانشیار و دو استادیار) و سه کارشناس ارشد پژوهشگری قرار گرفت و دو سؤال مطرح گردید: ۱- آیا پرسشنامه طراحی شده متغیرهای

مورد نظر را می‌سنجد؟ ۲- آیا ابزار طراحی شده برای سنجش متغیرهای مورد نظر در جامعه آماری مناسب هست؟ سپس نظرات و دیدگاه‌های ارائه شده در مورد پرسشنامه اخذ و لحاظ گردید.

یافته‌ها

الف) آمار توصیفی

جدول ۳- تقاطع جنسیت و وضعیت تأهل

وضعیت تأهل جنسیت	مجرد		متأهل		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
مرد	۱۹۶	۳۹	۱۰۷	۲۱	۳۰۳	۶۰
زن	۱۳۶	۲۷	۶۵	۱۳	۲۰۱	۴۰
جمع	۳۳۲	۶۶	۱۷۲	۳۴	۵۰۴	۱۰۰

۶۰ درصد از حجم نمونه را مردان و ۴۰ درصد را زنان تشکیل داده‌اند. همچنین ۶۶ درصد مجرد و ۳۴ درصد متأهل هستند. در حجم نمونه، مردان مجرد با ۳۹ درصد، زنان مجرد

با ۲۷ درصد، مردان متأهل با ۲۱ درصد و زنان متأهل با ۱۳ درصد به ترتیب دارای بیشترین فراوانی می‌باشند. نمای کلی این دو متغیر در نمودار زیر به آمده است.

جدول ۴- تقاطع پایگاه اجتماعی و مقطع تحصیلی

مقطع پایگاه	کارشناسی		ارشد		دکتری		جمع	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
پایین	۲۶	۵,۲	۱۰۳	۲۰,۵	۲۹	۵,۸	۱۵۸	۳۱,۵
متوسط	۶۱	۱۲,۲	۱۵۰	۳۰	۵۱	۱۰	۲۶۲	۵۲,۳
بالا	۱۶	۳,۲	۴۳	۸,۶	۲۱	۴,۲	۸۰	۱۶,۲
جمع	۱۰۳	۲۰,۵	۲۹۶	۵۹,۱	۱۰۲	۲۰,۴	۵۰۱	۱۰۰

۳۲ درصد و پایگاه اجتماعی بالا با حدود ۱۶ درصد قرار گرفته‌اند.

توصیف شاخص متغیرهای مستقل و وابسته

دانشجویان مقطع ارشد با حدود ۶۰ درصد بیشترین فراوانی را دارند و مقطع کارشناسی و دکتری هر کدام ۲۰ درصد از حجم نمونه را به خود اختصاص داده‌اند. پایگاه اجتماعی متوسط نیز با ۵۲ درصد بیشترین فراوانی را در نمونه مورد بررسی دارد پس از آن، پایگاه اجتماعی پایین با حدود

جدول ۵- توزیع پاسخگویان در متغیرها

متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد	متغیرها	گزینه‌ها	فراوانی	درصد
متغیرها	پایین	۲۷۱	۵۳٫۸	پایین	۶۱	۱۲٫۱	
	متوسط	۱۸۵	۳۶٫۷	متوسط	۳۳۲	۶۵٫۹	
	بالا	۴۸	۹٫۵	بالا	۱۱۱	۲۲	
	جمع	۵۰۴	۱۰۰	جمع	۵۰۴	۱۰۰	
میانگین: ۳۷٫۳		میانگین: ۵۳٫۵					
متغیرها	پایین	۲۱۳	۴۳٫۲	پایین	۱۱۸	۳۰	
	متوسط	۱۴۷	۲۹٫۸	متوسط	۱۰۳	۲۵٫۷	
	بالا	۱۳۳	۲۷	بالا	۱۹۷	۴۹٫۳	
	جمع	۴۹۳	۱۰۰	جمع	۴۱۸	۱۰۰	
میانگین: ۴۵٫۵		میانگین: ۵۷٫۲					
متغیرها	پایین	۲۳۵	۴۶٫۶	پایین	۱۹۶	۴۴٫۶	
	متوسط	۲۰۳	۴۰٫۳	متوسط	۲۱۲	۴۸٫۱	
	بالا	۶۶	۱۳٫۱	بالا	۳۲	۷٫۳	
	جمع	۵۰۴	۱۰۰	جمع	۴۴۰	۱۰۰	
میانگین: ۳۸٫۳		میانگین: ۳۹٫۶					

این متغیر ۴۵ از ۱۰۰ بوده است.

در تساهل سیاسی، اکثریت نسبی را تساهل بالا دارد و تساهل پایین و متوسط دارای بیشترین فراوانی‌های بعدی هستند. این وضعیت سبب شده است تا میانگین این متغیر در حد متوسط قرار بگیرد: میانگین ۵۷ از ۱۰۰.

در متغیر حضور در حوزه عمومی، بیشترین فراوانی را حضور اندک در حوزه عمومی دارد و پس از آن حضور متوسط و بالا قرار گرفته‌اند. حضور اندک اکثریت در حوزه عمومی سبب شده است میانگین این متغیر کاهش شدید یابد: میانگین ۳۸ از ۱۰۰.

در آگاهی از حقوق اساسی، اکثریت نسبی آگاهی اندکی از حقوق اساسی دارند (حدود ۵۴ درصد) و کمتر از ۱۰ درصد آگاهی بالایی دارند. این وضعیت در میانگین این متغیر بارز شده است: میانگین ۳۷ از ۱۰۰.

در سرمایه اجتماعی، اکثریت نسبی را سرمایه اجتماعی متوسط دارد (حدود ۶۶ درصد) و ۱۲ درصد سرمایه اجتماعی اندک و ۲۲ درصد سرمایه اجتماعی بالا دارند. میانگین محاسبه شده نیز قرار گرفتن سرمایه اجتماعی نمونه مورد بررسی در حد متوسط را نشان می‌دهد: میانگین ۵۳ از ۱۰۰.

در تساهل مذهبی، تساهل پایین بیشترین فراوانی را دارد و پس از آن، تساهل متوسط و بالا قرار گرفته‌اند. که میانگین

در متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی نیز با وضعیتی مشابه حوزه عمومی مواجه هستیم: میانگین ۳۹ از ۱۰۰.

جدول ۶- میانگین آگاهی از ابعاد حقوق اساسی

میانگین (دامنه ۰ تا ۱۰۰)	میزان						شاخص	
	زیاد		متوسط		کم			
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
	۴۵,۲	۱۳,۷	۶۹	۵۴,۶	۲۷۵	۳۱,۷	۱۶۰	بُعد کرامت انسانی
	۳۰,۶	۱۲,۹	۶۵	۲۸,۸	۱۴۵	۵۸,۳	۲۹۴	بُعد آزادی‌ها
	۴۴,۹	۳۳,۳	۱۶۸	۶۶,۳	۳۳۴	۲۱,۴	۱۰۸	بُعد برابری
	۴۶,۲	۴۶,۴	۲۳۴	۳۳,۶	۱۶۹	۲۲	۱۱۱	بُعد عدالت
	۳۱,۷	۶,۷	۳۴	۳۰,۴	۱۵۳	۶۲,۹	۳۱۷	بُعد حقوق شهروندی
	۳۲,۲	۱۱,۷	۵۹	۳۰,۷	۱۵۵	۵۷,۶	۲۹۰	بُعد وظایف حکمران

آزمون فرضیات

با توجه به نوع شاخص‌های سنجیده شده، دو نوع آماره برای آزمون فرضیات مطرح شده انتخاب شدند؛ برای شاخص‌هایی که در سطح سنجش فاصله‌ای هستند از آزمون همبستگی پیرسون (جدول ۷) و برای شاخص‌هایی که در سطح سنجش ترتیبی و اسمی هستند از آماره تفاوت میانگین‌ها (جدول ۸) استفاده شد.

میانگین تمامی ابعاد، کم‌تر از میانه است که نشانگر نامناسب بودن آگاهی در نمونه مورد بررسی است. ابعاد کرامت انسان، برابری و عدالت دارای میانگین‌های نزدیک به یکدیگر هستند و ابعاد آزادی‌ها، حقوق شهروندی و وظایف حکمران نیز دارای میانگین‌هایی پایین و شبیه به یکدیگر هستند.

(ب) تحلیل

جدول ۷- آزمون فرضیات مبتنی بر همبستگی پیرسون

شماره فرضیه	متغیر وابسته	متغیر مستقل	معناداری	شدت همبستگی	نتیجه آزمون
۱	سرمایه اجتماعی	۰,۰۰۰	۰,۵۸۰*	تأیید	
۲	حوزه عمومی	۰,۰۰۰	۰,۴۱۸*	تأیید	
۳	استفاده از رسانه	۰,۰۰۰	۰,۴۹۶*	تأیید	
۴	آگاهی از حقوق اساسی	۰,۰۰۰	۰,۵۳۸*	تأیید	
۵	تساهل مذهبی	۰,۰۰۰	۰,۶۸۳*	تأیید	
۶	پایگاه	۰,۰۰۰	۰,۳۵۶*	تأیید	
۷	سن	۰,۰۰۰	۰,۳۰۷*	تأیید	

* معناداری در سطح ۰,۰۱

عمومی، پایگاه اجتماعی و سن قرار گرفته اند. معناداری تمامی فرضیات در سطح ۰,۰۱ است؛ بدین معنی که با افزایش هر یک از متغیرهای بررسی شده، به احتمال ۹۹ درصد شاهد افزایش آگاهی از حقوق اساسی خواهیم بود.

تمامی فرضیات تأیید می‌شوند. در میان متغیرهای بررسی شده، تساهل مذهبی دارای بیشترین شدت همبستگی با آگاهی از حقوق اساسی است و پس از آن به ترتیب متغیرهای سرمایه اجتماعی، تساهل سیاسی، استفاده از رسانه، حوزه

جدول ۸- آزمون فرضیات مثبتی بر تفاوت میانگین‌ها

شماره فرضیه	متغیر آزمون	نوع آزمون	معناداری	نتیجه
۸	جنسیت	Independent Sample T-test	۰,۰۰۰	تأیید
۹	وضعیت تأهل	Independent Sample T-test	۰,۰۰۶	تأیید
۱۰	مقطع تحصیلی	Anova	۰,۰۳۲	تأیید

می‌کنند چه طور مجموعه‌ای از متغیرها یک سازه را تعریف می‌کنند و چه طور این سازه‌ها به هم مرتبط می‌شوند در معادلات ساختاری قابل آزمون هستند؛ به بیان دیگر، مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد چگونه متغیرها در پیوند با یکدیگر قرار گرفته‌اند. در معادله ساختاری، رگرسیون، تحلیل عاملی و تحلیل مسیر در کنار هم بررسی می‌شوند (شارع‌پور، ۱۳۸۰: ۲۰۷) و به همین دلیل، تصویری بهتر از نحوه تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را به نمایش می‌گذارند. استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مزایای زیادی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: تخمین روابط چندگانه، قابلیت بررسی تأثیر هم خطی و آزمون روابط جعلی و غیر واقعی (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲).

برازش مدل طراحی شده برای بررسی رابطه میان متغیرهای انتخاب شده، در مدل زیر به تصویر کشیده شده است.

در متغیر جنسیت، با توجه به میانگین محاسبه شده (۳۲) برای دختران و ۴۲ برای پسران) و همچنین سطح خطای ۰,۰۱ انتخاب شده، به احتمال ۹۹ درصد تفاوت مشاهده شده در میان دختران و پسران معنادار است.

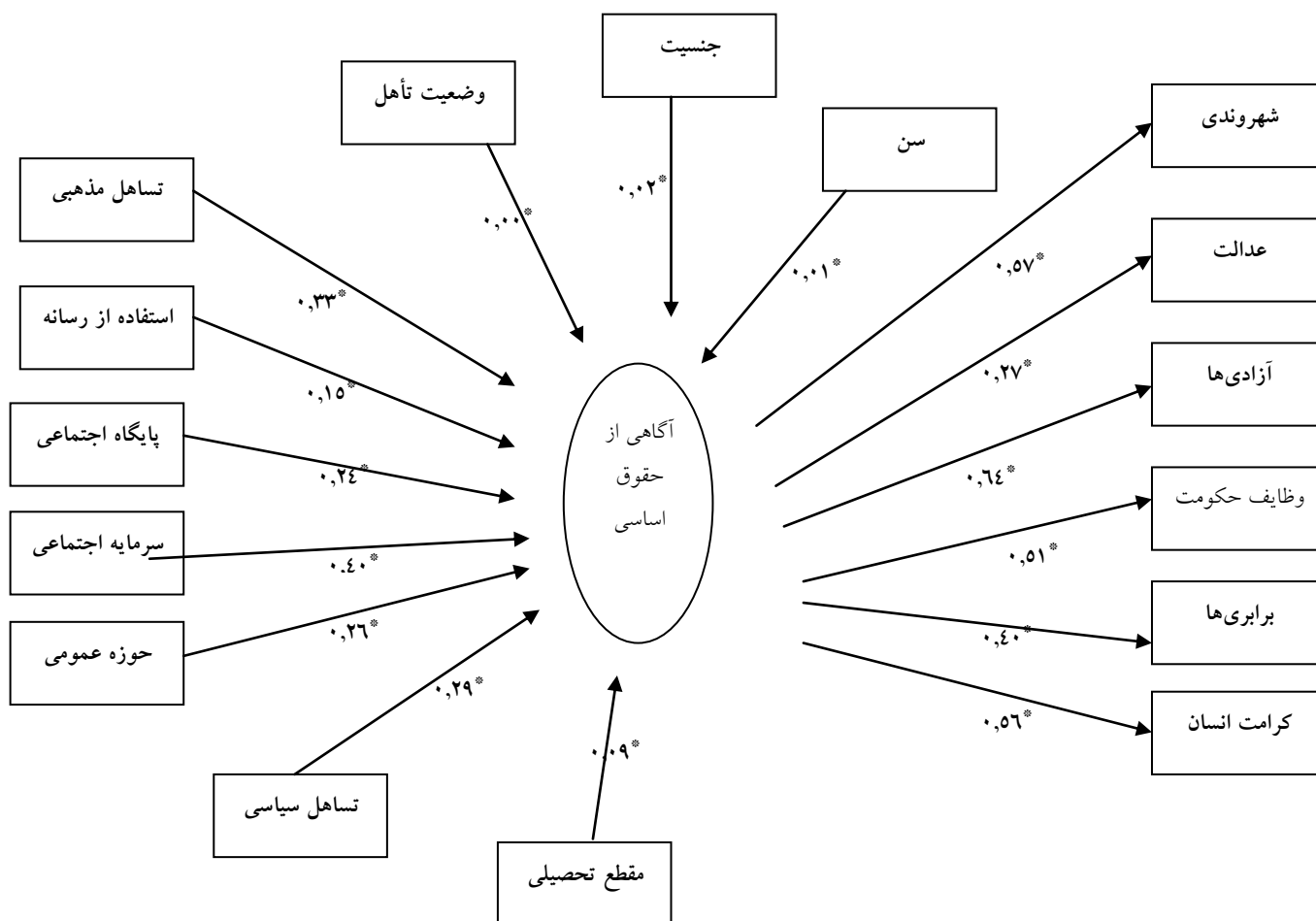
در متغیر وضعیت تأهل با توجه به میانگین ۳۶ برای مجردان و ۴۱ برای متأهلان، در سطح خطای ۰,۰۱ تفاوت مشاهده شده معنادار است و متأهلان بیش از مجردان از حقوق اساسی آگاهی دارند.

در متغیر مقطع تحصیلی، با توجه به میانگین محاسبه شده (کارشناسی: ۳۱، ارشد: ۳۷، دکتری: ۴۸) تفاوت مشاهده شده معنادار است و به احتمال ۹۹ درصد، سطح بالای تحصیلات، به آگاهی بیشتر منجر خواهد شد.

مدل معادلات ساختاری^۱

برای بررسی دقیق‌تر داده‌ها و بررسی رابطه میان متغیرهای سنجیده شده از نرم‌افزار EQS سود جسته‌ایم. مدل‌سازی معادلات ساختاری، ابزار برای بررسی ارتباطات میان چندین متغیر در یک مدل است. مدل معادلات ساختاری، مدل نظری فرض شده را آزمون کمی می‌کند و رابطه بین متغیرهای مشاهده شده را نشان می‌دهد. به‌طور ویژه، مدل‌هایی که فرض

^۱ Structural Equation Model



مدل ۱- برازش مدل پژوهش

جدول ۹- برازش مدل پژوهش

آماره								
RMSFA	Q2	AGFI	MFI	IFI	NFI	BONETT	GFI	CFI
۰,۰۰۰	۳۳,۵۲	۰,۹۹۶	۰,۹۵۵	۰,۹۶۵	۰,۹۵۴	۰,۹۲۷	۰,۹۳۹	۰,۹۶۵
میزان								

تفسیر نتایج مدل معادلات ساختاری

تأثیرگذاری ابعاد آگاهی از حقوق اساسی نشان می‌دهد که ترتیب بیشترین عوامل مؤثر در ساخت شاخص آگاهی از حقوق اساسی چنین است: آزادی‌ها، حقوق شهروندی، کرامت انسان، وظایف حکمران، عدالت و برابری‌ها؛ اما با در نظر آوردن نتایج جدول ۶ که میانگین ابعاد آگاهی را در نمونه مورد بررسی گزارش نموده است، باید گفت ابعاد آزادی‌ها، شهروندی و وظایف حکمران که دارای تأثیرگذاری بالا در

درباره آماره‌های آورده شده باید یادآور شد که هفت آماره (AGFI -- IFI -NFI - BONETT -GFI MFI -CFI) زمانی برازندگی مدل را تأیید خواهند کرد که بین (۰,۹-۱) هستند. آماره (RMSFA) هنگامی برازندگی را تأیید می‌کند که نزدیک به صفر است و بیش از ۰,۱ نیست. آماره Q^2 نیز بر اساس جدول مربوط به خود مقایسه شده است و باید تفاوت معنادار داشته باشد. بر این اساس، برازش مدل پژوهش در تمامی آماره‌ها تأیید می‌شود.

سرنوشت سیاسی - اجتماعی خویش فراهم نمی‌شود؛ بنابراین گرچه آگاهی افراد اجتماع از هر مقوله اجتماعی، عامل اساسی در اجرای آن محسوب نمی‌شود، اما نخستین عامل اساسی در هرگونه دگرگونی و خواست عمومی به شمار می‌آید. نکته قابل تأمل آن است که در میان ابعاد حقوق اساسی، ابعادی وضعیت نامناسب تری را دارند که در ارتباط مستقیم با رفتار حکومت قرار دارند، مانند آزادی‌ها، حقوق شهروندی و وظایف حکمران. این در حالی است که بنا بر گفته هربرت مارکوزه «آگاهی یابی نسل جوان از تمامی روابط و مناسبات حاکم بر جامعه، والاتر است» (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۱۹).

آگاهی از حقوق اساسی در جامعه مورد بررسی، بدون شرایط مناسب است (میانگین ۳۷ از ۱۰۰) اما علل این نامناسب بودن را باید در عوامل زمینه‌ساز و مؤثر بر آگاهی جستجو کرد:

سرمایه اجتماعی که مهم‌ترین عامل تأثیرگذار شناسایی شده است، در حد میانه است؛ با توجه به این که از یک سو در معادله ساختاری مشخص شده است که افزایش سرمایه اجتماعی سبب افزایش آگاهی از حقوق می‌شود و از سوی دیگر میانگین این متغیر در حد میانه است، می‌توانیم نتیجه بگیریم که یکی از دلایل پایین بودن میزان آگاهی از حقوق اساسی، مطلوب نبودن سرمایه اجتماعی است. دو متغیر دیگر تأثیرگذار بر آگاهی از حقوق (تساهل مذهبی و سیاسی) نیز همچون سرمایه اجتماعی مطلوبیت لازم را ندارند و با داشتن میانگین ۴۵ از ۱۰۰ (تساهل مذهبی) و ۵۷ از ۱۰۰ (تساهل سیاسی) در حد میانه قرار دارند. این وضعیت برای دو متغیر حضور در حوزه عمومی و استفاده از رسانه‌ها به گونه‌ای دیگر است و این دو متغیر با میانگین‌های ۳۸ و ۳۹ از ۱۰۰، پایین‌ترین میانگین را در میان متغیرهای مورد بررسی دارند؛ بنابراین پایین بودن آگاهی از حقوق اساسی را باید در نامناسب و نامطلوب بودن متغیرهای مستقل مؤثر بر آن جستجو نمود.

ساخت شاخص آگاهی از حقوق هستند، دارای میانگین‌های پایین هستند که این امر، تأکیدی مجدد بر نامناسب بودن آگاهی از حقوق اساسی در میان دانشجویان است.

در میان متغیرهای تأثیرگذار بر آگاهی از حقوق، گرچه در تأیید فرضیات، تساهل مذهبی بیشترین شدت همبستگی را دارد اما در معادله ساختاری و با حذف هم پوشانی موجود میان متغیرها، شدت تأثیرگذاری متفاوت می‌شود و سرمایه اجتماعی با شدت تأثیرگذاری ۴۰، اولین متغیر مؤثر معرفی شده است؛ پس از آن، ترتیب عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق اساسی این گونه تعیین شده است: تساهل مذهبی، تساهل سیاسی، حضور در حوزه عمومی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، استفاده از رسانه‌ها، مقطع تحصیلی، جنسیت و سن. متغیر وضعیت تأهل نیز در معادلات ساختاری بدون تأثیر است.

نتیجه

نتایج بررسی میزان آگاهی از حقوق اساسی، نشان‌دهنده نوعی بی‌اطلاعی از حقوق اولیه خود به‌ویژه در ارتباط با دولت است که قدرت را به نمایندگی از مردم اعمال می‌کند. آگاهی نداشتن افراد جامعه از حقوق خود در ارتباط با حکومت، از عوامل عقب ماندگی جامعه و زمینه‌ساز استبداد و سرکوب یک ملت و در نتیجه گرفتار شدن افراد جامعه در چرخه فقر و جهل است؛ همچنان که یکی از عوامل قانون شکنی، اطلاع و نداشتن افراد از حقوق و قوانین است. برای این که قانون در جامعه حاکم است باید اعضای جامعه نسبت به آن شناخت و آگاهی کافی داشته‌اند. گرچه آگاهی از حقوق به معنای بهره‌مندی از آن نیست اما در جامعه‌ای چون ایران که توسعه سیاسی همچنان در مراحل تکوین مسیر خود به سر می‌برد، توسعه آگاهی افراد جامعه از حقوق خود، گام ابتدایی در بهره‌مندی از حقوق اساسی است. بدیهی است آگاهی از حقوق، مبنای عمل و تحقق واقعی آن است و بدون آگاهی، هیچ تغییری در زمینه ارتباط صحیح دولت و ملت مشاهده نخواهد شد و شرایط مناسب برای مشارکت افراد در

¹ Marcuse

(۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان شوش دانیال»، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، سال دوم، ش ۲ ص ۷-۲۰.

الوانی، م. و سید نقوی، م. (۱۳۸۱). «سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها»، *مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۳-۲۶.

اسکافی، م. (۱۳۸۶). «بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد»، *علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی*، سال چهارم، ش ۱، ص ۱-۳۲.

اسکندری، ز. (۱۳۸۶). *بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه سراسری و آزاد تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

اینانلو، م. (۱۳۸۴). *بررسی عوامل مؤثر بر گرایش شهروندی نوجوانان تهرانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

آراسته، ح.؛ عنایتی، ت. و نظافتی پایانی، ی. (۱۳۸۹). «بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با تأکید بر نقش برنامه درسی»، *مطالعات برنامه درسی*، سال چهارم، ش ۱۵، ص ۵۳-۶۷.

آزاد ارمکی، ت.؛ شارع پور، م. و عسکری، ع. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با مدارا در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبایی»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، ش ۱، ص ۶۴-۹۸.

آقا بخشی، ع. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز

از جمله مهم‌ترین نتایج این تحقیق، وجود تفاوت چشم‌گیر میان ابعاد آگاهی از حقوق اساسی است. در میان شش بعد بررسی شده، نوعی شکاف وجود دارد: در یک سو ابعاد کرامت انسانی، عدالت اجتماعی و برابری‌ها قرار دارند که همگی دارای میانگین بالاتر از ۴۵ از ۱۰۰ هستند و در سوی دیگر، ابعاد آزادی‌ها، حقوق شهروندی و وظایف حکمران قرار گرفته‌اند که همگی دارای میانگین نزدیک ۳۰ از ۱۰۰ هستند. این وضعیت دو نکته را نشان می‌دهد: ۱- کاهش شاخص ترکیبی آگاهی از حقوق اساسی به دلیل نامناسب بودن ابعاد دسته دوم است؛ ۲- ابعاد دسته دوم بروز و ظهور پررنگ‌تری در زندگی افراد دارند و نامناسب بودن این ابعاد رابطه نامناسب فرد با قدرت حاکم را نشان می‌دهد.

اگر بخواهیم از دوگانه جامعه باز- جامعه بسته کارل پوپر^۱ را استفاده کنیم، که در آن، ویژگی ممتاز جامعه باز آن است که آگاهی و آزادی‌های سیاسی از ارکان آن هستند و دولت پاسخگو است و جامعه بسته که در آن، فردیت انسان‌ها با دستاویز مفاهیمی همچون وحدت ملی نادیده گرفته می‌شود و دولت نیازی به شفافیت نمی‌بیند، باید نتایج حاصل از این پژوهش را همخوان با یک «جامعه بسته» بدانیم در چنین جامعه‌ای حتی قانون و حقوق اساسی نیز نه برای حمایت از اعضای جامعه و محدود کردن دایره عملکرد دولت بلکه به عنوان دستاویزی برای محدود کردن رفتار شهروندان و بالا بردن تمامیت‌خواهی دولت، استفاده می‌شود.

منابع

احمدی، م. (۱۳۸۳). *تأثیر طبقه اجتماعی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی (مطالعه موردی بوشهر)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.

ارجمند سیاه‌پوش، ا.؛ مقدس جعفری، م. و فربغانی، م.

¹ Karl Popper

- اطلاعات و مدارک علمی.
- بهرامی کمیل، ن. (۱۳۸۱). «گفت و گو در اندیشه یورگن هابرماس»، *مطالعات ملی*، ش ۱۳، ص ۸۹-۱۰۸.
- بیرو، آ. (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- پورعزت، ع.؛ قلی‌پور، آ. و باغستانی برزکی، ح. (۱۳۸۹). «رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها»، *رفاه اجتماعی*، ش ۳۸، ص ۵-۴۰.
- پیران، پ.؛ موسوی، م. و شیانی، م. (۱۳۸۵). «کار پایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، دوره ششم، ش ۲۳، ص ۹-۴۴.
- توسلی، غ. (۱۳۸۰). *جستارهایی در جامعه‌شناسی معاصر*، تهران: حکایت قلم نوین.
- توسلی، غ. و نجاتی حسینی م. (۱۳۸۳). «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره پنجم، ش ۲، ص ۳۲-۶۲.
- جواهری، ف. و باقری، ل. (۱۳۸۶). «تأثیر استفاده از اینترنت بر سرمایه اجتماعی و انسانی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تهران)»، *زبان و ادبیات فارسی*، ش ۵۸-۵۹، ص ۳۳-۶۶.
- چلبی، م. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- حاج‌زاده، م. و منصوری، ا. (۱۳۹۲). «سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال چهارم، ش ۱۲، ص ۵۷-۷۶.
- حقیقتیان، م. و فرنام، م. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل اجتماعی رعایت قوانین شهروندی در بین شهروندان اردبیلی»، *مطالعات شهری*، سال دوم، ش ۴، ص ۱۷۱-۲۱۴.
- خلیلی، م. (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی در تاریخ بیهقی»، *جستارهای ادبی*، ش ۱۶۰، ص ۱۵۱-۱۷۴.
- داوری، ع. و رضازاده، آ. (۱۳۹۲). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار pls*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ذکائی، م. (۱۳۸۰). «بررسی تطبیقی سیاست‌های ادغام اجتماعی و شهروندی در اروپا با تکیه بر انگلیس»، *مطالعات ملی*، ش ۸، ص ۶۹-۸۸.
- ربانی، ر.؛ حقیقتیان، م. و اسماعیلی، م. (۱۳۸۵). «بررسی اجتماعی، فرهنگی و میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی (شهر اصفهان در سال ۱۳۸۴)»، *فصلنامه دانشگاه آزاد واحد شوشتر*، سال اول، ش ۱، ص ۸۵-۱۰۶.
- رسولی، ح. و زنده بودی، خ. (۱۳۹۰). «رسانه و اعتماد: بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی در شهر بابل»، *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال ششم، ش ۲۱، ص ۱۳-۳۲.
- رفیعی، ن. (۱۳۹۰). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی به حقوق و وظایف شهروندی در سه محله شهر همدان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- روشه، گ. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر نی.
- زیاری، ک.؛ شیخی، ع.؛ باقر عطاران، م. و کاشفی دوست، د. (۱۳۹۲). «ارزیابی آگاهی عمومی شهروندان پیرانشهر از حقوق شهروندی و قوانین شهری»، *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، دوره اول، ش ۱، ص ۵۹-۷۷.
- ساعی، ع.؛ کبیری، ا.؛ کسرابی، م. و صادقی، ح. (۱۳۹۰). «سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب: تحلیل تطبیقی فازی بین کشوری از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال دوم، ش ۲،

ص ۶۳-۹۴.

سبحانی، ج.؛ رضایی، م. و محمدپور، ا. (۱۳۹۲). «بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی در بین شهروندان ساکن سنندج و عوامل مؤثر بر آن»، نخستین همایش ملی مدیریت یکپارچه شهری و نقش آن در توسعه پایدار، تهران.

سراجی، م. (۱۳۸۸). «حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (شرحی بر فصل سوم قانون اساسی)»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال پنجم، ش ۱۶، ص ۱۴۱-۱۷۷.

سلطانی فر، م.؛ هاشمی، ش. و یعقوبی راد، ف. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه عوامل فرهنگی و برخورداری زنان از حقوق شهروندی»، مدیریت فرهنگی، سال پنجم، ش ۱۲، ص ۱-۱۸.

سورین، و. و تانکارد، ج. (۱۳۹۰). *نظریات ارتباطات*، ترجمه: علیرضا دهقان، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

شارع پور، م. (۱۳۸۰). «مدل سازی معادله ساختاری، آشنایی با کاربردهای برنامه لیزرل در تحقیقات اجتماعی»، *علوم اجتماعی دانشگاه علامه*، ش ۱۴-۱۳، ص ۲۰۵-۲۳۲.

شریفی، ا. و اسلامی، ف. (۱۳۹۱). «بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی (مطالعه موردی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان)»، *مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، سال سوم، ش ۶، ص ۱۰۹-۱۲۴.

شمس پور، ز. (۱۳۸۹). *بررسی میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

شهبازی، م. و ابراهیمی، م. (۱۳۹۲). «بررسی آگاهی زنان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل اجتماعی

مرتبط با آن (مورد مطالعه: معلمان زن شهرستان ابهر)»، *دانش انتظامی زنجان*، سال دوم، ش ۶، ص ۱۲۷-۱۶۱.

شیانی، م. (۱۳۸۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *جامعه‌شناسی ایران*، سال چهارم، ش ۳، ص ۶۰-۸۰.

شیانی، م. (۱۳۸۲). *وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران*، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

شیانی، م. (۱۳۸۴). «فقر، محرومیت و شهروندی در ایران»، *رفاه اجتماعی*، ش ۱۸، ص ۴۱-۶۴.

شیانی، م. (۱۳۸۸). «تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران: نگاهی بر مدیریت شهری»، *مطالعات اجتماعی ایران*، ش ۶، ص ۳۸-۵۳.

شیانی، م. و داوودوندی، ط. (۱۳۸۹). «تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، دوره دوم، ش ۵، ص ۳۵-۵۹.

شیانی، م. و سپهوند، ا. (۱۳۹۲). «رادیو و شهروندی؛ رابطه محتوای برنامه‌های رادیویی و آگاهی از حقوق شهروندی»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره دوم، ش ۳، ص ۴۶۹-۵۰۳.

عبداللهی، م. و موسوی، م. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، *رفاه اجتماعی*، سال ششم، ش ۲۵، ص ۱۹۵-۲۳۴.

عنایتی، ت.؛ آراسته، ح.؛ ضامنی، ف. و نظافتی، ی. (۱۳۹۱). «رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار اجتماعی دانشجویان»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال هفتم، ش ۲، ص ۱-۱۰.

عیدی، و. (۱۳۸۶). *تبیین جامعه‌شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی (مطالعه موردی دانشجویان*

- ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
 گیدنز، آ. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- مارکوزه، ه. (۱۳۸۸). *انسان تک ساحتی*، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- محمدی، ج. و تبریزی، ن. (۱۳۹۰). «سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری (مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائم شهر)»، *جامعه‌شناسی جوانان*، سال اول، ش ۱، ص ۱۷۵-۱۹۰.
- منوچهری، ع. و نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۵). «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت‌وگویی در فلسفه سیاسی هابرماس»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره جدید، ش ۲۹، ص ۱-۲۸.
- مهدوی، م. و میرزاپور، ف. (۱۳۸۸). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر آگاهی زنان شهرستان اهواز از حقوق اجتماعی و قانونی خود»، *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، سال سوم، ش ۱، ص ۲۹-۵۱.
- نش، ک. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن، قدرت و سیاست*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.
- نوروزی، ف. و گل‌پرور، م. (۱۳۹۰). «بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن»، *راهبرد*، ش ۵۹، ص ۱۶۷-۱۹۰.
- نیازی، م.؛ شفائی‌مقدم، ا. و شادفر، ی. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران»، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، سال دوم، ش ۳، ص ۱۳۱-۱۶۰.
- هاشمی، م. (۱۳۸۲). «از فلسفه سیاسی تا حقوق اساسی»، *حقوق اساسی*، سال اول، ش ۱، ص ۱۷۳-۲۰۱. هزارجریبی ج. و لهراسبی، س. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه
- دانشگاه اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.
- غیاثوند، م. (۱۳۸۳). *بررسی موانع برخورداری زنان از حقوق اجتماعی شهروندی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- فالكس، ک. (۱۳۸۱). *شهروندی*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
- فتحی، س. و مختارپور، م. (۱۳۹۰). «توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال سوم، ش ۴، ص ۸۹-۱۰۵.
- قاسمی، و. و عمرانیان، ف. (۱۳۹۱). «سنجش آگاهی‌های حقوقی زنان از قوانین خانواده بر اساس فرضیه شکاف آگاهی و اطلاعات - مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان»، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۳۷، ص ۱۲۷-۱۴۰.
- کرایب، ج. (۱۳۷۸). *نظریه اجتماعی مدرن - از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر آگه.
- کرباسیان، ف. و جلائی، ش. (۱۳۸۳). «بررسی میزان آگاهی زنان از خود، نقش‌ها و وظایف و حقوق خود و ارتباط این آگاهی با تحصیلات»، *پژوهشنامه تربیتی*، ش ۱، ص ۳۳-۵۲.
- کلدی، ع. و پوردهناد، ن. (۱۳۹۱). «بررسی میزان آگاهی و نگرش دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، دوره دوم، ش ۴، ص ۲۹-۵۷.
- کوزر، ل. (۱۳۸۶). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- کیانپور، ک. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه بین عوامل اجتماعی - فرهنگی با میزان آگاهی معلمان از حقوق شهروندی در شهر بروجن*، پایان‌نامه کارشناسی

- Haythornthwaite, C. (2012) "New Media, New Literacies, and New Forms of Learning", *International Journal of Learning and Media*, 4(3): 1-8.
- Marshall, T.H. (1964), *Class, Citizenship, and Social Development*, Garden City, New York, Doubleday.
- Paxton, P. (2004) "Who do you trust? A multilevel model of generalized trust in thirty-one countries", Paper presented at the Annual Meeting of the American Sociological Association, San Francisco.
- Pickering, P. (2006) "Generating Social Capital for Bridging Ethnic Divisions in the Balkans: Case Studies of Two Bosniac Cities", *Ethnic and Racial Studies*, 29(1): 79-103.
- Putnam, R. (1993) "The Prosperous Community: Social Capital and Public Life", *American Prospect*, 13: 35-42.
- Putnam, R. (2000) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York: Simon & Schuster.
- Robinson, C. (2010) "Cross-Cutting Messages and Political Tolerance: An Experiment Using Evangelical Protestants", *Political Behavior*, 32: 495-515.
- Silbey, S. (2011) "The Sociological Citizen: Pragmatic and Relational Regulation in Law and Organizations", *Regulation & Governance*, 5: 1-13.
- Shaghghi, Z. Ghlichlee, B. (2010) *The Relationship between Social Capital and Knowledge Sharing*, International Conference of Intellectual Capital Management, IRAN, Zanjan.
- Turner, B. (1990) *Theories of Modernity and Postmodernity*, London; Newbury Park: Sage Publications.
- Turner, B. (2008) *Rights and Virtues: Political Essays on Citizenship and Social Justice*. Oxford: Bardwell Press.
- Uzzi, B. Dunlap, S. (2005) "How to Build Your Network", *Harvard Business Review*, 83(12): 53-60.
- Vorster, JM. (2010) *Religious Instruction in Public Schools in View of the Fundamental Right to Religious Freedom: A Christian Ethical Perspective*, University of the Northwest: <http://ngtt.journals.ac.za>.
- سرمایه اجتماعی با میزان هویت جمعی»، جامعه شناسی کاربردی، دوره بیست و دوم، ش ۲، ص ۱-۲۰.
- هزارجریبی، ج. و امانیان، ا. (۱۳۹۰). «آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بار آن»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، ش ۹، ص ۱-۱۸.
- هولاب، ر. (۱۳۸۶). *یورگن هابرماس: نقد در حوزه عمومی* مجادلات فلسفی هابرماس، ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- Burt, R. (1992) *Structural Holes*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Butt, M.E. Kubert, J. Schultz, C.A. (2000) *Fundamental Social Rights in Europe*, European Parliament, Luxembourg.
- Burt, R. (2005) *Brokerage and Closure: An Introduction to Social Capital*, Oxford University Pres.
- CEC (COMMISSION OF THE EUROPEAN COMMUNITIES) (2004) *Fourth Report on Citizenship of the Union*, Brussels.
- Coleman, J. (1988) "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, 94: 95-120.
- Coleman, J. (1994) *Foundations of Social Theory*, Harvard University Press.
- Dermott, R. O'Dell, C. (2001) "Overcoming Cultural Barriers to Sharing Knowledge", *Journal of Knowledge Management*, 5(1): 76-85.
- Dwiningrum, S.I.A. (2013) "Nation's Character Education Based on the Social Capital Theory", *Asian Social Science*, 9(12): 144-155.
- Fundamental Rights Agency (FRA), (2011) *Fundamental Rights: Challenges and Achievements in 2011*, European Union Agency for Fundamental Rights: www.fra.europa.eu.
- Habermas, J. (1989) *The Structural Transformation of the Public Sphere : An Inquiry Into a Category of Bourgeois Society*, Cambridge, Mass : MIT Press
- Habermas, J. (1996) *Between Facts and Norms : Contributions to a Discourse Theory of Law and Democracy*, Cambridge, Mass : MIT Pres.
- Harell, A. (2010) "Political Tolerance, Racist Speech, and the Influence of Social Networks", *Social Science Quarterly*, 91: 724-740.

